

عضو هیات مدیره انجمن عکاسان:
فروش بالای چند اثر را نباید
به همه جامعه هنر تعمیم داد



عضو هیات مدیره انجمن عکاسان ایران گفت: یکی از تبعات تصویب طرح حذف معافیت مالیاتی هنرمندان می‌تواند کناره‌گیری و دل‌سردی هنرمندان باشد. به گزارش هنر آنلاین، افشین شاهرودی در گفت‌وگو با هنر آنلاین درباره افزودن بند حذف معافیت مالیاتی هنرمندان به لایحه بودجه در مجلس شورای اسلامی گفت: فکر می‌کنم این یک اقدام کارشناسی نشده است و تبعاتی دارد که بسیار آسیب‌زا است. مگر یک عکاس چقدر درآمد دارد و از راه عکاسی چگونه می‌تواند امور خود را بگذراند که حالا بخواهد مالیات هم بپردازد؟ اگر مسئولان می‌خواستند اقدام درستی درباره مالیات انجام دهند حداقل کاری می‌توانستند انجام دهند این بود که گروهی از هنرمندان و صاحب‌نظران را که به تمام جوانب کار آشنا هستند دعوت می‌کردند و آن‌ها نظر می‌خواستند این عکس‌افزود: همین الان هم به دلایل مختلف بانپوهی از مهاجرت هنرمندان مواجهیم، هنرمندانی که می‌توانند ایندگان هنر ما باشند، یکی از تبعات تصویب چنین طرحی می‌تواند کناره‌گیری و دل‌سردی هنرمندان باشد. در حالی که در جوامع مترقی سرمایه‌گذاران زیادی انجام می‌دهند تا بنیان‌های فکری، فرهنگی و هنری را در جامعه تقویت کنند. دلیل این کار آن است که فرهنگ و هنر می‌تواند جامعه را از نظر اخلاقی به سوی هدایت کند که سازه‌ها، هنر می‌تواند جامعه را از بد اخلاقی و خشونت دور کند، ولی اینجا دائماً کارهایی انجام می‌شود که نه تنها حمایتی از هنرمندان به عمل نمی‌آید، بلکه آن‌ها را مایوس و از بدنه جامعه جدا می‌کند. در نهایت همه این عوامل دست به دست هم داده است که هنر کم‌رنگ شود. این نویسنده و مترجم ادامه داد: در جامعه تجسمی ممکن است گاهی یک اثر فروش بالایی داشته باشد اما این‌ها مقطعی است و برای دریافت مالیات آن‌ها می‌توان چاره‌ای اندیشید اما نباید این موضوع را به همه جامعه هنری تعمیم بدهیم. به نظر می‌رسد نمایندگان مجلس درآمدهای بالای عده کمی از بازیگران سینما را به همه هنرمندان تعمیم داده و بر این اساس تصمیم‌گیری کرده‌اند. برای این موارد می‌توان راهکارهای دیگری اندیشید و به عنوان مثال یک سقف درآمد سالانه برای هنرمندان مشخص شود و کسانی که بیش از آن درآمد دارند مالیات بدهند.

یادبود

یعقوب یادعلی درگذشت



یعقوب یادعلی در ۵۱ سالگی در بوستون آمریکا از دنیا رفت. به گزارش ایسنا؛ احمد حسن زاده، داستان‌نویس و از دوستان نزدیک یعقوب یادعلی با تأیید خبر درگذشت این داستان‌نویس گفت: همسر یعقوب تماس گرفت و گفت عصر دوشنبه به وقت آمریکا (سوم اسفندماه) برای گیراندن سیگار بیرون می‌روم که آمدنش طولانی می‌شود. به دنبال او که می‌روند می‌بینند روی زمین افتاده و با آمدن آمبولانس متوجه می‌شوند اثر ایست قلبی از دنیا رفته است. همه‌مان در بهت هستیم زیرا او سنی نداشت و پیش‌تر هم مشکل قلبی نداشت. چند ماه پیش ایران آمده بود و حالش خوب بود. چند شب پیش هم با هم تلفنی صحبت کرده بودیم. به گفته‌ها، هنوز خانواده یادعلی درباره برگرداندن پیکر او به ایران و یا خاکسپاری‌اش در آمریکا تصمیمی نگرفته‌اند. یعقوب یادعلی متولد سال ۱۳۴۹ در نجف آباد بود. رمان «آداب بی‌قراری» مشهورترین اثر اوست که موفق به کسب چند جایزه ادبی شده است. از جمله دیگر آثار این نویسنده می‌توان به «آداب بی‌قراری»، «آداب دنیا»، «متغیر منصور»، «آمزش زمینی»، «حالت‌ها در حیاط» و «احتمال پرسه و شوخی» اشاره کرد. یعقوب یادعلی به دلیل نوشتن «آداب بی‌قراری» که برنده جایزه بنیاد گلشیری شده بود، به جرم آن چه «توهین به قوم لر» عنوان شد بازداشت شد و پس از تحمل دو ماه زندان در اردیبهشت سال ۱۳۸۵ از زندان آزاد شد. در دادگاه تجدیدنظر حکم او تشدید شد و به یک سال حبس تعزیری محکوم شد. اما در تیرماه سال ۱۳۹۱ یادعلی بالاخره از تمامی اتهاماتش تبرئه شد. این نویسنده در چند سال اخیر در آمریکا سکونت داشت.



احسان زور عالم

بر حسب اتفاق ماه گذشته به تماشای دو نمایش با همراهی دوستان تئاتری نشستیم. مورد نخست اقتباسی از «قصه ظهر جمعه» محمد مساوات بود که شخصاً نسخه‌شخص نویسنده را در تالار قشقایی دیده بودم و آنچه در برابرم ظاهر می‌شد، یک نسخه دم‌دستی و حتی پارودیک از اصل ماجرا بود. دومی نیز نمایشی بود در یک سالن تازه تأسیس با حضور چند بازیگر سرریال‌های درجه چندم تلویزیونی و البته با همان درون‌مایه‌های محبوب تلویزیون و به یادگار مانده از فیلم‌فارسی‌ها. هر دو نمایش با نظر منفی همراهان همراهی شد. همه از بد بودن نمایش‌ها، بی‌ارزش بودن محتوا، ضعف عجیب تکنیک و اجرا و البته پرش مهم «چرا باید در این زمانه چنین نمایشی کار شود؟» می‌گفتند. پاسخ سهل بود، به هر حال تیم تولید آن آثار نه حرفه‌ای بودند و نه تلاشی برای حرفه‌ای بودن در سر داشتند! اما وضعیت پاسخ‌زمانی بفرنج می‌شد که مخاطب از آنچه دیده بود، استقبال می‌کرد. یک وضعیت متناقض با طرز فکر ما. در مورد نمایش دوم حتی عده‌ای با بازیگران هم عکس انداختند و به قسول یکی از عنوان «کارگران ذهن، اتحاد» به تاریخ ششم ژانویه ۲۰۰۹، منتشر شده در وخواست عمومی از تماشای نمایش وجود داشت. یک شکاف خطرناک که انگیزه نوشتن شد.

کمی به عقب بازگردیم. به سال‌های ابتدایی قرن بیستم، در زمانه‌ای که مدرنیسم جولان می‌دهد و هنرمند مدرن خیال می‌کند تاج‌شاهی بر سر نشده است و نوعی تکاپوی هنری اروپا را در بر گرفته است. یکی از آن تکاپوهای آنی و سریع یادرفته، مانیفست نخست فوتوریست‌ها به قلم فیلیپو تومازو مارینتی است، مرد شکسته‌خورد روی صحنه با اجرای «پادشاه یکم» در تئاتر دولور، با تأسیس از «شاه‌ابو» ی‌زلی، در ۲۹ سپتامبر ۱۹۱۳ می‌نویسد: «ما ذله‌شده‌ایم از این دست تئاتر معاصر؛

گردشگری



ارزو احمدزاده، راهنمای طبیعت‌گردی

مدرن امروز برای گردشگران داخلی و خارجی جذابیت‌های بسیاری دارد، از این رو گردشگری عشایر که یکی از شاخه‌های گردشگری است به تازگی در ایران مورد توجه بسیاری قرار گرفته است. عشایر ایران قومی هستند که با گذشت قرن‌ها هنوز ساختار فرهنگی و اجتماعی خود را حفظ کرده‌اند و در عصر تکنولوژی، عنوان دیدنی‌ترین جاذبه را به خود اختصاص داده‌اند. کوچ عشایر، به‌طور قطع یکی از زیباترین جاذبه‌های گردشگری ایران محسوب می‌شود، جاذبه‌ای خاص که با برنامه‌ریزی اصولی، می‌تواند سهم عمده‌ای از درآمد گردشگری را به خود اختصاص دهد. هر چند که ایلات ایران تدریجاً یکجانشین شده‌اند ولی هنوز هم در برخی از قسمت‌های ایران تجربه زندگی عشایری در دنیای

بخصوص حوزه سلسله جبال زاگرس و به ویژه نواحی وسیعی از زاگرس مرکزی، ایلات کوچ‌گرد وجود دارند. در اینجا با مهم‌ترین ایلات و عشایر کوچنده ایران آشنا می‌شویم:

ایلات بختیاری

عشایر با قومیت و گویش لری به دو بخش لرو و لک تقسیم می‌شوند. طوایف «لک» در شمال و شمال غربی لرستان در دره‌های رودخانه سیمره میان بروجرد، نهاوند، خرم‌آباد، کرمانشاه و ایلام سکونت دارند و «لرها» در سطح وسیعی در ایران در استان‌های لرستان، بخشی از ایلام، چهارمحال و بختیاری، خوزستان، مرکزی، کهگیلویه و بویراحمد و بخشی از استان فارس و بوشهر زندگی می‌کنند. ایلات بختیاری که در استان

نگاهی به میل عمومی از چشم‌انداز دو نمایش
چرا وارپته‌ها را نادیده می‌گیریم؟



زمانه خود، عاشق وارپته بودند. وارپته‌ها نمایش‌های درهم‌بهرمی بودند متشکل از رقص و آواز و حرکات آکروباتیک و شلنگ‌تخته سرگرمی زنده‌ای که محبوب مردان کارگر می‌شود. زنان زبهاروی نیم‌بند به لباس، با موسیقی‌های شش‌وهشتی اروپایی، در کنار چند کم‌دین و آوازخوان چنان بالا و پایین می‌پرند که مرد کارگر خستگی روزانه‌اش را در مجازی از بهشت موعود به در کند. وارپته هم البته درگیر جهان هنر، تغییر و تحولات بسیار می‌کند. در ایران آتراکسیون می‌شود و در انگلستان وودویل، در ایران همانی می‌شود که ما می‌بینیم و در انگلستان پایش به تئاتر ابزورد و پست‌مدرن باز می‌شود. با این حال فوتوریست‌ها در وارپته لذت تازه‌ای کشف کرده بودند. «تئاتر وارپته که مانند مسازاده عصر الکترونیست است، خوشبختانه هیچ سنتی از هیچ نوع ندارد، نه استادی دارد و نه دگم‌هایی و اواقیعات پرشتاب زندگی‌مان تغذیه می‌کند. تئاتر وارپته کاملاً کاربردی است؛ چون هدفش

کنید هنر مند به قصد نقد طرح موسوم به صیانت اینترنت، نمایشی بیافریند که در عین نقادانه بودن، سرگرم‌کننده هم باشد و نتیجه یک وارپته است که همه چیزش به شوخی‌ها و بذله‌گویی‌های مر سوم تقلیل می‌یابد. تقلیل‌گرایی که برخی آن را نوعی بانگ‌های رادیکال اپتال شرم می‌نامند و آن را کوچک برشمرند فاجعه‌ای بزرگ می‌پندارند، ترسی می‌شود برای فاصله‌گیری از وارپته. گروه دیگری که خود را درگیر فرم‌هنری نمایش می‌دانند، دلشان می‌خواهد چشم‌انداز نمایش‌مان مبهوت‌کننده باشد، در وارپته چیزی جز ندیدن آن ابهت نمی‌یابند. تصور کنید آخرین نمایش محمد مساوات، «بیگانه در خانه» با آن شمایل در قالب وارپته اجرا شود. اساساً فرم و پیام هنری نمایش متهم می‌شود.

با این حال وارپته‌ها پر مخاطب‌ترند. مخاطب وارپته بابت شوخی‌های سطحی می‌خندد و دست می‌زند. در اقتباس «قصه ظهر جمعه» جایی یک ترانه لس‌آنجلسی بخش می‌شود و بازیگران با ترانه می‌رقصدند، تماشاگران یک‌دست، مشغول تشویق و دست زدن می‌شوند و نشست‌رو صندلی‌شان‌های می‌لرزاند. گویی نمایش وارد فازی تعاملی با مخاطب شده است، میل او را قفل‌کند داده و اندروین خوش‌بالا برده است. آخرین نمایشی که دیدیم، «مارادونا» ساخته مه‌رمان رنجبر اما قصه تئاتر می‌تواند یک مدخل جذاب باشد: هم به لحاظ تاریخی و هم به لحاظ متفاوت بودن. اینکه آیا وارپته‌های شبانه تهران تئاتر به حساب می‌آیند؟ آیا می‌شود با نگاهی فوتوریستی به ماجرا نگاه کرد؟ آیا هواداری فوتوریست‌ها از موسولینی و میلشان به سرگرمی، تفسیری برای مطالعه‌کننده وارپته ایرانی دارد؟ هر چه هست، وارپته دست کم گرفته می‌شود.

را پدید آورده که مخاطب تئاتر همانی است که «مارادونا» می‌بیند و تئاتر همانی است که مناسبات «مارادونا» را رعایت می‌کند. وارپته‌ها رسانه دارند و نه مناسبات آشنا؛ اما در عوض فروش دارند در سامانه سینماتیکت که برخی از وارپته‌های ایرانی (نمایش آزاد) به فروش می‌رسد نظرات تماشاگران قابل توجه است. از صفاتی استفاده می‌کنند که دلالت بر لذت بردن یا تبریدن دارد. افراد از میزان اندروین ترشح، به زبان ضمنی می‌گویند.

تصور کنید هنر مند به قصد نقد طرح موسوم به صیانت اینترنت، نمایشی بیافریند که در عین نقادانه بودن، سرگرم‌کننده هم باشد و نتیجه یک وارپته است که همه چیزش به شوخی‌ها و بذله‌گویی‌های مر سوم تقلیل می‌یابد. تقلیل‌گرایی که برخی آن را کوچک برشمرند فاجعه‌ای بزرگ می‌پندارند، ترسی می‌شود برای فاصله‌گیری از وارپته

مطالعه وارپته‌های ایرانی می‌تواند چشم‌انداز خوبی از مخاطب ایرانی پدید آورد. وارپته البته امروزه اشکال متفاوتی پیدا کرده و بی‌گمان فیلم‌فارسی‌ها مدرن‌شده و حسن ریوندی‌های تکثیر شده و البته تویتر فارسی هم‌جا حاضر نمونه‌های تازه‌ای از وارپته به حساب می‌آیند. مخاطب اینستاگرام ایرانی به دنبال همان محتوای وارپته‌وار است؛ اما قصه تئاتر می‌تواند یک مدخل جذاب باشد: هم به لحاظ تاریخی و هم به لحاظ متفاوت بودن. اینکه آیا وارپته‌های شبانه تهران تئاتر به حساب می‌آیند؟ آیا می‌شود با نگاهی فوتوریستی به ماجرا نگاه کرد؟ آیا هواداری فوتوریست‌ها از موسولینی و میلشان به سرگرمی، تفسیری برای مطالعه‌کننده وارپته ایرانی دارد؟ هر چه هست، وارپته دست کم گرفته می‌شود.

گردشگری عشایری؛ پلی از امروز به دیروز

برخوردار است. جنگل‌های تنک، مراتع پهناور و سرسبز از ویژگی‌های این ناحیه است که سبب رونق زندگی عشایر در این منطقه شده است. بیلاق شاهسون به عمد تا در کوهپایه‌های سبلان و قشلاق آن‌ها در دشت مغان و حاشیه رود قزل‌اوزن است.

گردشگری عشایری ابزاری مناسب برای احیای نواحی عشایری و توسعه گردشگری در یک منطقه است. عشایر و نوع زندگی آن‌ها، زبان، موسیقی، غذاهای محلی، پوشاک، ترانه، صنایع دستی، رقص و لباس‌های محلی به همراه آیین‌هایی مانند جشن‌های محلی و عروسی مواردی است که توجه بسیاری از گردشگران را به خود جلب کرده و گردشگری عشایری باز در پلی از امروز به گذشته باعث زنده‌نگه داشتن زندگی ایلی می‌شود.

قشلاقی این ایل از لار در جنوب استان فارس شروع شده و در امتداد محور جنوبی استان تا حوالی گچساران در نزدیکی بهبهان ادامه می‌یابد. در بهار و تابستان طوایف گوناگون این ایل برای بیلاق به اقلید و آباده تا حوالی شهرضا و کوه‌دنا کوچ می‌کنند.

ایل شاهسون

حوزه استقرار عشایر شمال غربی ایران شامل عشایر مستقر در استان‌های آذربایجان شرقی، آذربایجان غربی، اردبیل، زنجان و بخشی از گیلان است که به دلیل کوهستانی بودن منطقه از تنوع آب و هوایی

